

اقلیت‌های مذهبی

شهروندان درجه دوم؟



وزارت آموزش و پرورش
دبیر

بازگشت به حکم شماره

که بموجب آن به ملت بدانشن یکی از مذاهب رسمی و قانونی کشور به خدمت شما در وزارت آموزش و پرورش خاتمه داده شده و پنج صفحه منضات آن (که ده هافتر از هم عقیده های شاکه وضع استخدای مشابه شما دارند بعنوان دفاعیه یک نسخه از آن را که از طریق پلی کیئی تکثیر و ارسال داشته اند) اشعار میدارد .

وزارت آموزش و پرورش در قبال جمهوری عدل اسلامی ایران که با اینار و جانفغانی و شهادت هزاران نفر مردان و زنان مسلمان و مؤمن و متدین بدین مین اسلام استقرار یافته بتعبدیه اجرای احکام قرآن و شریعت محمدی در مدارس میباید بناس خون شهدای اسلام امکان و اجازه نمیدهد مانند دوران طاغوت که سستترین کوشش در راه ترویج فساد و ناباکی و تنصیف و تحریف دین مسیح اسلام بکار میرفت بیروان مسلک بهائیت در واحدهای آموزشی بمانند از این طریق افکار پاک و معصوم دانش آموزان را آلوده و منحرف نمایند و بصرف اینکه شما مسئولیت اداره عائلدای را برعهده دارید مجدداً متشو لیت بسیار خطر و حساس تعلیم و تربیت این عزیزان وطن را بشمار میبارد .

باتوجه باین اصل میم که هر قدر محیط مقدس آموزش و پرورش منزّه تر و بی آلاش تر باشد مدرسه تجلی گاه انوار الهی و معلم مشر رسالت راستین و حقیقی خویش خواهد بود می نردیستد نمیتوان موجبات فراهم آورد تا مانند گذشته انزاد بیثباتی قباله قنای آموزشی کشور را در دست داشته باشند اگر بیاد بیاورید که چگونه هزاران نفر از مردان و زنان موهبری بینر امان و علمای اسلامی چه رنجها برده و در تبعیدگاههای مخوف جد شکنجه ها دیده و چه سباز از جوانان مجاهد وطن ، در برابر زجرها و بیادها با بامردی نموده والله اکثر گویان غزل هولناک در خیم وایران آورده و سرانجام در این راه شربت شهادت نوشیده اند انصاف خواهد داد که نباید ساحت مقدس آموزش و پرورش را بدست افرادی امثال شما که خلاف مصالح عالی اسلام و در جهت اشاعه و ترویج انکار انصواب گام برمیدارید ببالانیم . در خانه یاد آور میشود که استخدام افراد ایرانی در ادارات دولتی در صورتیکه متدین به یکی از ادیان رسمی اسلام - یهود - مسیح - زرتشت نباشند منع قانونی دارد بنابراین بایان دادن به خدمت شما مستند بحد قانون موجود و متضمن حداقل مجازات است . مسلماً "اشد مجازات متوجه متصدیان استخدام شماست که قریباً" در دادگاههای انقلاب اسلامی تحت بیکرد قانونی قرار خواهد گرفت حقیق ایام گذشته شما که غیر قانونی پرداخت شده مورد بررسی است و در آینده نزدیک نتیجه آن اعلام میگردد .

محمد علی رجائی

سرپرست وزارت آموزش و پرورش و رئیس هیئت مدیره جمهوری اسلامی ایران

خبری تحت عنوان "جاسوس اعدام شدند" روز سه شنبه ۱۷ شهریور ماه صفحات روزنامه های جمهوری اسلامی را مزین کرد . برای خواننده ای که هیچ چیز در مورد این افراد نمیدانسته تعدادی اسم پشت سرهم ردیف شده بخودی خود نمی توانست کوچکترین مدرکی باشد . حداکثر این بود که فهمیده شود سردمدار ران جمهوری اسلامی عده ای را کشته اند ولی شرم دارند که جرم آنها را تشریح کنند . معلوم نبود این "جاسوسان" کی دستگیر شده اند ، آنها مشان چه بسوده ، برای کی جاسوسی میکرده اند ، کی محاکمه شده اند ، سند جرم آنها چه بوده و کذا . این مسائل بهیچ کس مربوط نیست . تنها درج خبر آن برای فرو نشاندن عطش کسانیکه تنها به خون سیراب میشوند کافی است . ای مردم بدانید که ما احکامان بر جان و مال و ناموس خلق الله - هفت نفر دیگر را بدرک اسفل فرستادیم و بزودی به سراغ شما نیز خواهیم آمد .

بعداً اما مشخص شد که "جرم" این عده این بوده است که بهائی بوده اند ! این "خبر" را روزنامه "کیهان" در "داد تا نگویید که در جمهوری اسلامی مردم بیجهت کشته میشوند" !

آقای رجائی ، نخست وزیر با فضل و تدبیر برای بهائی ها خط و نشان کشید که یاد تاریکترین دوره های ناصری - الدین شاه و "بابی کشی" های جنون آمیز آزمان را زنده کرد و بیاد آورد که از اولین حرکات مومنین مسلمان پس از پیروزی انقلاب آتش زدن و غارت دهکده "سعدی" شیراز بود که "بابی نشین" بود . و چه جرمی بالاتر از این .

اما گمان نداریم که کسی باور کند که بابی کشی مومنین ارتباطی با مبارزه "فدا میریالیستی" آنان دارد .

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان ؛ انقلابی دگر باید

سید علی

۱۰۰

in - i / e / i / e

۱. باب نامہ و وجہ

[illegible]

رئيس مجلس الوزراء
رئيس مجلس الوزراء

بازرسی شد
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۰۵
شماره: ۵۶۹۹
محل: ...
مهر: ...

تائید ایشان از "ملی گرایی" نیست، بلکه دفاع از حقوق دموکراتیک آنهاست، همانطور که در جامعه‌ی سرمایه‌داری کمونیست‌ها از حق دموکراتیک بورژواهای دموکرات در مقابل فاشیست‌ها دفاع میکنند و این بمعنای دفاع از بسورژوئری نیست، بهمین گونه نیز از حق دموکراتیک اقلیتهای مذهبی دفاع میکنند گر چه خود به مذهب اعتقاد ندارند و با آن بطور اصولی مبارزه‌ی ایدئولوژیک میکنند.

جمهوری اسلامی، دیکتاتوری ضد خلقی و ضد هر چیز و هر کسیکه با فرقه‌ی مسلط موافق نیست با اقدامات وقوانین خود نه تنها ماهیت مذهبی خود، ماهیت مذهب خود و ماهیت سرمداران خود را بنمایش میگذارد بلکه نشان میدهد که چگونه پیشکوتان آنها با فشارهایی که طی سالهای متمادی به اقلیتهای مذهبی وارد ساختند بخشهای بزرگی از آنان

بقیه در صفحه ۱۴

کیریم که بهائگیری - و البته نه تک تک بهائی ها - بعنوان یک فرقه در خدمت رژیم سابق و امپریالیسم بود - که بود. این امر چه ربطی به روستا نشینان فقیر بهائی دارد؟ گوییم که تعداد زیادی از یهودیان، صهیونیست بودند. این امر چه ربطی به تکرار داستانهای مخوف "جهودکشی" قسرون وسطی دارد؟ آیا آنزمان "صهیونیسم" وجود داشت و امروز که قسمت عمده یهودیان این سرزمین کسانی هستند که یا خواسته اند مهاجرت کنند و یا اسرائیل آنها را نپذیرفته است، گناه کسی که یهودی بدنی آمده چیست؟

از ۳۰۰ هزار ارامنه قریب دو سوم در همین یکسال اخیر مهاجرت کرده اند. آیا اینان که از زحمتکش ترین و مرفعی ترین مردم این سامان بودند عمال اجانب بودند؟ آیا زرتشتیان هم "لاکتابند" و خوشان مباح است؟

مسأله الیند این نیست. مسأله اینست که جمهوری اسلامی بر خلاف ادعاهای خود به هیچکس جز سینه چاکان "اسلام مکنی" ابقاء نخواهد کرد. آزادی مذهب از طرف است و جماعت همواره شکاری دروغین بوده است و ایضا تاریخ هزار ساله هزاران بار اثبات کرده است. امروز نیز همین است. آنچه "اسلامی مکنی"، "مسلمانان" را نداند، یهودان و مسلمانان و زرتشتیان بجای خود باید برای بعضی محبت پذیرد که ما از چنین مسأله راضیانه میویم. عجیب باشد که کمونیستهای لامذهبی و حقوق دموکراتیک مذهبی ها و حامی اقلیتهای مذهبی دفاع کنند. اگر چنین باشد بخاطر اینست که مسأله در تاریخ ایران، جیرهایی بعنوان کمونیسم تبلیغ شده اند که فرایبی با آن ندارند. شاید بخاطر اینست که تحریفات و ابتدالات کمتر مجال داده است که ثابت شود کمونیستها دموکرات ترین انسانهای روی زمین اند. ترور و توطئه و ارعاب - بنام مبارزه ی طبقاتی و بجای مبارزه ی طبقاتی - چهره ی کمونیسم را چنان مسخ کرده است که کمتر کسی بیاد میآورد که بهترین دوست لنین - ماکسیم گورکی - یک خدا پرست بود!

کمونیستها مذهب ندارند. آنها بیش از هر کس ماهیت مذاهب و جوهر اصلی آنها را میدانند. آنها تمام جنایاتی را که در تاریخ بنام مذهب، تحت لوای مذهب و بخاطر مذهب انجام گرفته است می شناسند. آنها ارتباط "جنگهای مذهبی" و مبارزه ی طبقاتی و جایگزینی آنها را درک میکنند ولی در کنار همه ی اینها نیز، این نکته بسیار اساسی را هم میدانند که مبارزه ی ایدئولوژیک، تغییر تفکر و جهان بینی، اعتلا آگاهی انسان امری است که ظریفترین و انسانی ترین شیوه های مبارزه را میطلبد. اندیشه را با چماق نمیتوان تغییر داد. اجبار و ارعاب و ناآرامی هستند که مذهبی ها بدان متوسل میشده اند. یا اشد بگو، یا جزییه بده و یا بمیر. "کمونیستی" که باین شیوه ها متوسل شود یک "کمونیست مذهب" است. و این هیچ فرقی با سایر مذاهب نخواهد داشت. از این بیشتر، کمونیستها نه تنها باین شیوه ها توسل نمیجویند بلکه از حقوق دموکراتیک انسانهای مذهبی که تحت فشار سایر مذاهب قرار گرفته اند دفاع میکنند همانطور که دفاع کمونیستها از اقلیتهای ملی بمنزله ی

را وادار کردند که بدامان رژیم پهلوی پدر و پسر بیفتند و با دام نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی گرفتار شوند. جهود کشی و بابی کشی عاملی بود در گرایش‌بخشهایی از این اقلیتها بسوی نیروهای استعماری و رژیم پهلوی، و بنابراین ریاکارانه است توجیه تبعیض نسبت به آنها و تحت فشار گذاردن آنها باین علت.

ما در شماره های گذشته رهائی سندی را چاپ کردیم که نشان میداد گرویدن به اسلام از نظر حاکمیت اسلامی به چه معنایی است. در این سند کسانی که پیرو دینی بجز ادیان رسمی بودند موظف بودند که اسلام را بپذیرند (و نه سایر ادیان رسمی را). در این شماره سند دیگری چاپ میشود که نشان میدهد حکومت اسلامی با چه وقاحتی صرف اعتقاد بیک مذهب را جرم شناخته و "مجرم" را به اخراج از وزارت آموزش و پرورش محکوم کرده است. آقای رجائی که سند را امضاء کرده (و امضاء چنین نامه‌های عفنسی موجب ارتقاء ایشان به نخست‌وزیری شده است) میگوید "مسئولیت‌آداری عائله" در جمهوری اسلامی معنایی ندارد. زن و بچه‌ی شما هم مجرمند چون شما مجرم هستید. و بالاخره برای آنکه ما تبعیضی قائل نشده (!) و نشان دهیم که سردمداران از مدر تا ذیل از یک قماشند، سند دیگری را از آقای بنی‌مدر چاپ میکنیم که وقاحتش کمتر از آن دیگری نیست.

اوقاف نه تنها از دادن مالیات معاف است بلکه گویی ثروت کمی در اختیار دارد. آقای بنی‌مدر از جیب‌بنده و شما یک قلم سی و شش میلیون تومان به آخوندها میبخشد. رشوه دادن بد است، از کیسه‌ی دیگران بخشیدن وقاحت‌آمیز است. اما ما قول میدهم که بر خلاف آقای رجائی که مطابق سند فوق حقوق قبلا پرداخت شده‌ی بهائیان را میخواهد پس بگیرد، و غم "عائله" ایشان را هم ندارد، در جمهوری آینده‌ی سوسیالیستی، این رشوه‌های گذشته را نادیده بگیریم و قطعا برای عائله‌ی آقای رجائی و آقای بنی‌مدر هم مقرری مناسبی تعیین کنیم.

آخر گناه فرزندان پدران رشوه‌ستان و رشوه‌گر چیست؟ ●